



هنرمندان
معلول
جهان:

روزی خواهد رسید که آثارم رستاخیزی به پا خواهد کرد

عیان نشدن کم شنوایی از مکالمات اجتناب می‌کرد، وی اوایل بیماری از سمعک استفاده می‌کرد، اما در دوره ای که سمفونی نهم را ساخت کاملاً ناشنوا بود.

اتواسکلوروزیس نوعی کری در گذشته بود که اثر غم‌انگیزی داشت، بخصوص اینکه این بیماری اغلب جوانان را قربانی خود می‌کند، به احتمال زیاد بتهوون از این نوع کری رنج می‌برده؛ علت این بیماری سفت شدن غیر منتظره سه استخوانی است که امواج صوتی را از حفره مبانی عبور می‌دهد.

بهر حال بتهوون نشان داد معلولیت نمی‌تواند باعث شود شاهکارهای هنر انسانی خلق نگردد. وقتی از او پرسیدند آیا فکر می‌کنی آیندگان قدر آثار شما را خواهند دانست؟ او جواب داد: روزی خواهد رسید که آثارم رستاخیزی به پا خواهد کرد. بله این رستاخیز حتی بعد از دو قرن همچنان بتهوون را در دنیای موسیقی بی‌همتا نگه داشته است. **گره آوری: مصطفی جهان‌دیده**

بتهوون را می‌توان رابط نسل کهن دنیای موسیقی و دوره جدید دانست. وی همچون پل مستحکمی است که عصر باروک و کلاسیک را به دوره رمانتیک و مدرن وصل می‌کند و بی‌شک نمی‌توان بنای این پل عظیم را به دست معماری جز او سپرد.

موسیقی او از آن عصر و مکان خاصی نیست. او جهان را دعوت به شنیدن می‌کند و دعوت به برابری او روح خسته انسان را از بند می‌رهاند و آنگاه که با نوای او همراه می‌شویم عروجی به ما هدیه می‌کند که فراتر از خاک و تن ما است و این عروج چیزی جز باور خود وی نیست. او در نامه به گوته می‌نویسد: «موسیقی یگانه چیزی است که می‌تواند از این جهان خاکی وارد جهانی شود که فراتر از آن است، که ما انسان‌ها را احاطه کرده و هرگز انسان نمی‌تواند بر چنین جهانی جز با موسیقی تسلط پیدا کند».

در ۲۸ سالگی شنوایی بتهوون رو به نقصان گذاشت، او از این موضوع رنج می‌برد و برای

نام بتهوون در دنیای موسیقی بی‌همتا است و او را شکسپیر جهان موسیقی لقب داده‌اند. همان‌طور که میکیل آنژ را در هنرهای تجسمی و شکسپیر را در هنرهای دراماتیک غایت کمال دانستند، در دنیای موسیقی او به این جایگاه رسیده بود. بتهوون را نمی‌توان صرفاً یک آهنگساز متعلق به یک دوره خاص قلمداد کرد. تاثیر آثارش بعد از گذشت سالها کماکان بر مکاتب مختلف هنری و فکری اروپا و جهان دیده می‌شود.

او در موسیقی اش هیچ حرفی را بی‌دلیل نمی‌زند و زیاده نمی‌گوید ولی آنگاه که سخنی برایمان دارد به سادگی از آن تمی گذرد. بتهوون استاد بسط و گسترش ایده‌های کوچک و ساده است و چنان این ایده‌ها را پر بال می‌دهد که انسان را انگشت به دهان می‌گذارد، البته اجرای این ایده‌ها در قالب موسیقی آن دوران اجرایی نمی‌شد؛ برای همین بتهوون برای ساخت آثارش راهی جز تغییرات اساسی در ساختار فرم‌ها و ارکستر نداشت.